

جاودانگی قرآن

حجت الاسلام والمسلمین محمد مهدی فیروزمهر*

اشاره

قرآن، کتاب آسمانی است که برای پاسخ‌گویی به همه نیازهای بشر در مسیر هدایت و سعادت نازل شده است و صورت نوشتاری جهان آفرینش و انسان، و بیانگر حالات و روابط گوناگون او با مبدأ و معاد، خویشتن، هم‌نوعان و طبیعت، و سفره گسترده‌ای است که هرکس به اندازه نیاز و توان خود می‌تواند از آن بهره بگیرد. از میان صحف و کتب آسمانی که خداوند برای هدایت بشر بر انبیای عظام نازل نموده، قرآن کریم، کتاب جاودانه و معجزه ماندگار پیامبر خاتم سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و دربردارنده عالی‌ترین برنامه زندگی است که هرگز کهنگی و فرسودگی سراغ آن نمی‌آید و متن محکمی است که تحریف، تغییر، نسخ، بطلان، لغویت و ضلالت به آن راهی ندارد. قرآن، همان‌گونه که در عصر پیامبر سَلَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ معجزه بود، در این عصر نیز معجزه‌بودن خود را حفظ کرده است و با وجود اینکه امروزه در قالب‌های مختلف علیه آن تبلیغ می‌شود، اما قرآن مانند خورشیدی فروزان در عرصه‌های مختلف می‌درخشد. این کتاب از آغاز نزول، همه دنیا را به

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

هماوردی طلبیده و خبر قطعی داده که در هیچ زمانی مغلوب و ناکارآمد نمی شود. در این نوشتار، به بررسی مفهوم و دلایل درون دینی و برون دینی جاودانگی قرآن می پردازیم.

مفهوم جاودانگی

جاودان، به معنای همیشه، دائم، باقی و همیشگی است و جاودانگی، حاصل مصدر و به معنای جاودانه بودن است.^۱ جاودانگی قرآن، بدین معناست که محدود و مقید به هیچ زمانی نبوده، بلکه تا عالم مادی باقی است و انسان در کره خاکی زندگی می کند و تا زمان برپایی قیامت، باقی خواهد بود.^۲ امام رضا علیه السلام درباره جاودانگی قرآن فرمود: «خدای تعالی آن را برای زمان و مردم خاصی قرار نداده است. به همین دلیل، در همه زمان ها تازه، و نزد هر قوم و ملتی تا روز قیامت، نو و باطراوت است.»^۳

دلایل جاودانگی قرآن

دلایل متعددی، جاودانگی قرآن را روشن می سازد که در این مجال، طی دو محور کلی، به آنها اشاره می کنیم.

الف. دلایل درون دینی

۱. آیات

راز جاودانگی قرآن را باید در محتوای عالی انسان ساز و ساختار اعجاز آمیز آن و نیز ویژگی آورنده آن جست و جو کرد. در آیات متعدد، جاودانگی قرآن مطرح شده که به ذکر چند نمونه بسنده می شود:

- آیه «وَمَنْ بَلَّغْ»:

«وَأَوْحِي إِلَيَّ هَذَا الْقُرْآنُ لِأُنزِلْكُمْ بِهِ وَمَنْ بَلَّغْ؛^۴ و بگو: این قرآن به من وحی شده است تا به وسیله آن، شما و کسانی را که قرآن به آنان می رسد، هشدار دهم.»

۱. علی اکبر دهخدا، لغت نامه، ج ۵، ص ۷۴۵۰ و ۷۴۵۲.

۲. فیروز اصلانی، جاودانگی قرآن از دیدگاه قرآن و روایات، ص ۲۲.

۳. شیخ طوسی، الأمالی، ص ۵۸.

۴. انعام، آیه ۱۹.

از ظاهر «لَا نُذِرْكُمْ بِهِ» برمی آید که خطابش متوجه مشرکان مکه و یا عموم قریش و یا حداکثر همه عرب است؛ اما با توجه به دو نکته می توان استفاده کرد که مقصود، تنها مشرکان مکه یا قریش و حتی همه عرب نیست:

۱. مقابله بین «کم» و بین «مَنْ بَلَغَ»، دلالت بر این دارد که مقصود از ضمیر خطاب «کم» در جمله «لَا نُذِرْكُمْ بِهِ»، کسانی هستند که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله ایشان را پیش از نزول آیه یا مقارن یا پس از نزول، انذار می نمود.

۲. مقصود از «و مَنْ بَلَغَ»، کسانی هستند که مطالب خود را از شخص پیامبر صلی الله علیه و آله شنیده اند؛ چه معاصران آن حضرت باشند و چه آیندگان.

پس، آیه یادشده می رساند که رسالت آن حضرت، عمومی بوده، قرآنش ابدی و جهانی و حجت ناطقی است که از روز نزولش تا قیامت، به نفع حق و علیه باطل احتجاج می کند و از نظر دعوت به اسلام، هیچ فرقی بین کسانی که قرآن را از خود او می شنوند و بین کسانی که از غیر او می شنوند، نیست.^۱

جاودانگی بیم دهی پیامبر صلی الله علیه و آله به واسطه قرآن، بدان جهت است که این کتاب ارزش های مطلوب فطرت انسان، مانند: عدل، احسان و بخشش، و نیز خطرهای زشتی های منفور سرشت بشر، مانند: فحشا، منکر و ظلم را معرفی می کند. عثمان بن مظعون گوید: پیامبر صلی الله علیه و آله مکرر اسلام را بر من عرضه می کرد و من از روی شرمندگی، اسلام آورده بودم؛ ولی اسلام در دلم مستقر نشده بود؛ تا اینکه روزی آیه ای را برای من تلاوت کرد. در این وقت بود که دین اسلام در قلبم مستقر شد.^۲ آیه مذکور فرموده: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ»^۳ خداوند فرمان به عدل، احسان و بخشش می دهد و از فحشا، منکر و ظلم نهی می کند. خداوند به شما اندرز می دهد؛ شاید متذکر شوید.»

- آیه نفی باطل:

«وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ * لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ»^۴ و این،

۱. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۷، ص ۳۹.

۲. عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین، ج ۳، ص ۷۸.

۳. نحل، آیه ۹۰.

۴. فصلت، آیه ۴۱ - ۴۲.

کتابی است قطعاً شکست‌ناپذیر که هیچ‌گونه باطلی، نه از پیش رو و نه از پشت سر، به سراغ آن نمی‌آید؛ چراکه از سوی خداوند حکیم و شایسته ستایش نازل شده است.»

در این آیه، چند خصوصیت ذکر شده که جاودانگی قرآن از آن استفاده می‌شود:

۱. قرآن، کتابی عزیز است: «إِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ». عزیز، از «عز» به معنای کمیاب یا نایاب^۱ و نیز به معنای شکست‌ناپذیری است.^۲ قرآن، عزیز است؛ یعنی بی‌نظیر یا به معنای شکست‌ناپذیر است.^۳

۲. قرآن، بطلان‌ناپذیر است: «لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ». آمدن باطل به سوی قرآن، به این معناست که بعضی از اجزا یا همه آن، از بین برود و باطل شود؛ به طوری که بعضی از حقایق و معارف حق آن، ناحق شود و یا بعضی از احکام و شرایع و معارف اخلاقی آن و یا همه آن، لغو گردد و دیگر قابل عمل نباشد.^۴ این فراز از آیه می‌گوید: نه در زمان نزول و نه در آینده، چیزی از قرآن، ناحق یا لغو و بی‌اعتبار نمی‌شود. بنابراین، قرآن هم بی‌نظیر است؛ زیرا هر کتابی تا مدتی تازگی دارد و هم بطلان‌ناپذیر است. پس، قرآن تا ابد باقی است.

۳. قسمت پایانی: «تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ». این فراز آخر، دلیل بطلان‌ناپذیری قرآن را بیان می‌کند؛^۵ با این توضیح که: اولاً، از جانب خدای حکیم است و حکیم، یعنی کسی که افعالش بر اساس حکمت است و نیز به معنای کسی است که به همه اشیا و امور، عالم است. حمید، یعنی کسی که مورد ستایش و مستحق شکر و سپاس است.^۶ بنابراین، چون قرآن تنزل یافته از حکمت خدای حمید است، بطلان‌پذیر نیست.

استواری ساختار و محتوای قرآن، راهی برای رخنه باطل و اتهام و اشکال باقی نگذاشته است. قریش از عتبه بن ربیعہ خواستند که چاره‌ای برای جلوگیری از نفوذ اسلام بیندیشد. او اموری را به

۱. خلیل فراهیدی، العین، ج ۱، ص ۷۶.

۲. حسین راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۵۶۳.

۳. محمد سبزواری نجفی، الجدید فی تفسیر القرآن المجید، ج ۶، ص ۲۸۳؛ سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۷، ص ۳۹۸.

۴. سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج ۱۷، ص ۳۹۸.

۵. همان، ص ۳۹۹.

۶. شیخ طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۱۳۲.

پیامبر ﷺ پیشنهاد کرد. وقتی سخنش تمام شد، حضرت تا آیه سی و هفتم سوره غافر را قرائت کرد و سپس، به او فرمود: «آیا پیام خدا را شنیدی؟» او که به شدت مجذوب این آیات شده بود، سخنی نگفت و به جمع قریش رفت و گفت: «به خدا سوگند! سخنی که از محمد ﷺ شنیدم، تاکنون از کسی نشنیده بودم. به خدا قسم! نه شعر است و نه سحر و نه کهنات.»^۱

- آیه ختم نبوت:

«مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ»^۲ محمد، پدر هیچ یک از مردان شما نبوده و نیست؛ ولی رسول خدا و ختم کننده و آخرین پیامبران است.

این آیه، بیانگر خاتمیت پیامبر ﷺ است و به تبع آن، بر جهانی و جاودانگی قرآن دلالت دارد. با ختم نبوت، رسالت نیز که مرحله بالاتر از آن است^۳، به پایان رسیده است. بنابراین، پس از شریعت پیامبر ﷺ، دیگر شریعتی نخواهد آمد که آن را نسخ کند و کتاب او، یعنی قرآن نیز - توسط هیچ کتاب آسمانی دیگر نسخ نخواهد شد.

پیامبر ﷺ خود نیز بارها تأکید کرد که من خاتم پیامبران هستم و پس از من، هیچ پیامبری مبعوث نخواهد شد؛ از جمله اینکه در حدیث منزلت خطاب به حضرت علی رضی الله عنه فرمود: «أَنْتَ مِنْنِي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي»؛^۴ تو نسبت به من، همچون هارون نسبت به موسی هستی؛ جز اینکه پس از من، پیامبری نخواهد بود. این سخن نیز از پیامبر ﷺ نقل شده است که فرمود: «مَثَلِي وَمَثَلُ الْأَنْبِيَاءِ كَمَثَلِ رَجُلٍ بَنَى بُنْيَانًا فَأَحْسَنَهُ وَأَجْمَلَهُ، فَجَعَلَ النَّاسُ يَطِيفُونَ بِهِ يَقُولُونَ مَا رَأَيْنَا بُنْيَانًا أَحْسَنَ مِنْ هَذَا إِلَّا هَذِهِ اللَّبَنَةُ، فَكُنْتُ أَنَا تِلْكَ اللَّبَنَةُ»^۵ مثال من در قیاس با انبیای پیشین، مانند مردی است که بنایی زیبا بسازد و مردم گرد آن بگردند و بگویند بنایی زیباتر از این نیست؛ جز اینکه جای یک خشت آن، خالی است و من، همان خشت آخرینم.»
بنابراین، شریعت و کتاب پیامبر ﷺ، جاودانه خواهند بود.

۱. «والله ما هو بالشعر ولا بالسحر ولا بالكهانة.» (محمد بن احمد ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۱، ص ۱۶۰)

۲. احزاب، آیه ۴۰.

۳. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، ج ۳ ص ۳۲۵.

۴. شیخ کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۰۷.

۵. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۳۴۳.

- آیه حفظ:

«إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^۱ بی تردید، ما خود، این قرآن را که یاد خداست، فرو فرستاده‌ایم و قطعاً ما خود، آن را [از اینکه به فراموشی سپرده شود و نیز از هرگونه تحریف] مصون می‌داریم.»

خداوند در این آیه، ضمانت داده که قرآن را از تحریف و تغییر حفظ می‌کند و این تضمین خدا، مطلق است و به زمان خاصی اختصاص ندارد.

از دلایل تجدید بعثت و ظهور پیامبر جدید، این بود که تعالیم انبیا و کتب آسمانی پیشین، دچار تغییر و تحریف می‌شدند؛ به‌گونه‌ای که پاسخگوی نسل‌های بعدی نبود. شهید مطهری^۲ در این باره می‌نویسد:

«یکی از علل تجدید رسالت و ظهور پیامبران جدید، تحریف و تبدیل‌هایی است که در تعلیمات و کتب مقدس پیامبران رخ می‌داده است و به همین جهت، آن کتاب‌ها و تعلیمات، صلاحیت خود را برای هدایت مردم از دست می‌داده‌اند. غالباً پیامبران، احیاکننده سُنن فراموش شده و اصلاح‌کننده تعلیمات تحریف‌یافته پیشینیان خود بوده‌اند... ظهور پیامبری، تنها معلول تغییر و تکامل شرایط زندگی و نیازمندی بشر به پیام نوین و رهنمایی نوین نیست؛ [بلکه] بیشتر، معلول نابودی‌ها و تحریف و تبدیل‌های کتب و تعلیمات آسمانی بوده است.»^۲

بنابراین، حفظ و مصونیت قطعی قرآن از تغییر و تبدیل و تحریف، به معنای جاودانگی آن است.

- آیات بیانگر جهانی بودن قرآن:^۳

در آیات متعدد تأکید شده که قرآن، کتابی جهانی است و تمام مردم در همه اعصار، مخاطب و مشمول آموزه‌های آن هستند. لازمه جهانی بودن قرآن به این معنا، جاودانگی آن است. دو نمونه از این آیات، عبارت‌اند از:

۱. آیاتی که مخاطب قرآن را «جهانیان» یا «مردم» می‌داند؛ مانند: «إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ»^۴

۱. حجر، آیه ۹.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۱۶۵.

۳. استفاده از کتاب: قرآن‌شناسی اثر آیت‌الله مصباح یزدی، ج ۲، ص ۲۷۶.

۴. انعام، آیه ۹۰.

آن (قرآن)، جز یادآوری برای جهانیان [چیزی دیگر] نیست.» در این آیه، قرآن تذکار برای جهانیان معرفی شده است. مفهوم عالمین (جهانیان)، به مردم عصر رسالت محدود نمی‌شود؛ بلکه شامل همه مردم با هر اصل و نژاد و مذهب و ملیت در همه زمان‌ها می‌شود. بنابراین، قرآن برای همه مردم و تمام زمان‌هاست.

۲. «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ...»^۱ ماه رمضان که در آن قرآن فرو فرستاده شده که رهنمودی برای مردم است...» در این آیه، قرآن مایه هدایت برای مردم معرفی شده است. مفهوم مردم (ناس)، اولاً عام است و همه افراد بشر را شامل می‌شود و ثانیاً، به مردم عصر نزول اختصاص ندارد.

آیات پیش‌گفته، بر عمومیت دعوت قرآن برای همه مردم جهان در تمام اعصار دلالت دارند و عمومیت آن نیز تخصیص‌بردار نیست.

- آیات بیانگر جهانی بودن رسالت پیامبر ﷺ:

این آیات که به طور مستقیم بیانگر همگانی و جاودانی بودن رسالت پیامبر ﷺ است و با دلالت التزامی جهانی و جاودانگی دعوت قرآن را اثبات می‌کند، در دو محور کلی قابل تبیین است:

۱. آیات بیانگر جهانی بودن رسالت پیامبر ﷺ، مانند: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ...»^۲ و تورا نفرستادیم، مگر برای همه مردم.»

چنانچه «کافه» به معنای «بازدارنده» باشد، در این صورت، فقط می‌توان از واژه «ناس» جهانی بودن رسالت پیامبر ﷺ را فهمید و اگر به معنای «جمیعاً» و حال برای «الناس» باشد که در این صورت، عمومیت رسالت ایشان با تأکید بیشتری اثبات می‌شود.

۲. آیات بیانگر نوید غلبه آیین پیامبر ﷺ بر همه ادیان، مانند: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ...»^۳ او (خدا)، کسی است که فرستاده‌اش را با رهنمود و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین‌ها چیره سازد.»

۱. بقره، آیه ۱۸۵.

۲. سبأ، آیه ۲۸.

۳. فتح، آیه ۲۸؛ توبه، آیه ۳۳؛ صف، آیه ۹.

۲. روایات

روایات متعدد و معتبری نیز بر جاودانگی قرآن دلالت دارند که برخی از روشن‌ترین آنها، از قرار ذیل است:

- فرازمانی و فرامکانی بودن قرآن:

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: «ما بال القرآن لا یزاد عند النشیر والدراسة إلا غصاصة؟ فقال لأن الله لم ینزلہ لزمان دون زمان ولا لناس دون ناس فهو في كل زمان جدید، وعند كل قوم غصص إلى يوم القيامة؛^۱ چگونه است که بررسی و مطالعه و نشر مکرر قرآن جز بر تازگی آن نمی‌افزاید؟ فرمود: زیرا خدای تعالی آن را برای زمان و مردم خاصی قرار نداده است. به همین دلیل، در همه زمان‌ها تازه و نزد هر قوم و ملتی تا روز قیامت، نو و با طراوت است.»

- جاری بودن قرآن در همه زمان‌ها:

امام باقر علیه السلام از باب تشبیه معقول به محسوس، جاودانگی قرآن را به همواره بودن دو اختر فروزان آفتاب و ماه تشبیه کرده است: «یجری کما یجری الشمس والقمر؛^۲ قرآن، همانند دو اختر پُرفروغ خورشید و ماه، همیشه در جریان است [و زندگی انسان‌ها را تا پایان دنیا روشن می‌سازد].»^۳

- حیات جاودانه قرآن:

امام صادق علیه السلام فرمود: «إنَّ القرآنَ حی لم یمت وائهُ یجری کما یجری اللیل والنهار وکما یجری الشمس والقمر ویجری علی آخرنا کما یجری علی أولنا؛^۴ قرآن، زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد و چون شب و روز و خورشید و ماه جریان دارد و جریان قرآن بر پشینیان، مانند جریانش بر پشینیان ماست.»

شخصی به نام عبدالرحیم قصیر گوید: نزد امام باقر علیه السلام بودم که خطاب به من فرمود: اینکه خداوند فرمود: «إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ؛^۵ تو تنها بیم‌دهنده‌ای و برای هر گروهی،

۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۹۳.

۲. محمدبن حسن صفار، بصائر الدرجات، ص ۲۱۶.

۳. عبدالله جوادی آملی، قرآن در قرآن، ص ۳۱۴.

۴. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۴۰۴.

۵. رعد، آیه ۷.

هدایت کننده‌ای است»، پیامبر ﷺ آن را این گونه تفسیر کرد که: «منذر، من هستم و هادی، علی علیه السلام است.» پس، اینک در زمان ما، هادی چه کسی است؟
عبدالرحیم گفت: لحظات طولانی سرم را به زیر افکندم و سپس، سر برآوردم و عرض کردم: فدایت شوم! این منصب، میان شما اهل بیت علیهم السلام در جریان است و هادی عصر ما، شما هستی. امام علیه السلام فرمود: «درست گفتم.» آنگاه فرمود: «هم اصل قرآن، زنده‌ای است که نمی‌میرد و هم هر آیه آن، برای همیشه زنده است؛ زیرا اگر آیه نازل شده درباره اقوامی، اختصاص به آنها داشته باشد، با مرگ آن اقوام، آیه هم می‌میرد و در نتیجه، کل قرآن می‌میرد.»^۱

ب. دلایل برون دینی

علاوه بر دلایل درون دینی، دلایل بیرون دینی نیز وجود دارد که جاودانگی قرآن را اثبات می‌کند در ذیل، به چند مورد از این علت‌ها اشاره می‌شود.

۱. دیدگاه غیرمسلمانان

جاودانگی قرآن، چیزی نیست که تنها باورمندان به آن، یعنی مسلمانان، بر آن تأکید داشته باشند؛ بلکه بسیاری از دانشمندان بزرگ غیرمسلمان نیز آن را درک نموده، به آن اعتراف کرده‌اند. این، بدان جهت است که جاودانگی این کتاب، مبتنی بر واقعیتی است که در ذات آن نهفته است؛ چنان‌که برخی دانشمندان غیرمسلمان که از جهانی بودن و جاودانگی آن سخن گفته‌اند، دلیل آن را علوم و معارف بلند و انسان‌ساز این کتاب دانسته‌اند.

کنت کریک، استاد دانشگاه کمبریج، می‌گوید: «قرآن، کتابی نیست که برای یک دوره به خصوص آمده باشد؛ کتابی است جاوید برای تمام اعصار، و تا جهان هست، نوع بشر می‌تواند قرآن را راهنمای زندگی خود قرار بدهد؛ چراکه قرآن برای دوره به‌خصوصی نیامده و هرگز کهنه نمی‌شود؛ زیرا چیزی وجود ندارد که در قرآن نیامده باشد.»^۲

خانم لورا واکسیا واکلیری، ایتالیایی استاد دانشگاه ناپل می‌گوید: «ما در قرآن ذخایر و اندوخته‌هایی از علوم را می‌بینیم که مافوق استعداد و ظرفیت باهوش‌ترین و متفکرترین اشخاص است و بزرگ‌ترین فیلسوفان و قوی‌ترین سیاست‌مداران باید در مقابل قرآن، زانوی عجز و ناتوانی

۱. علامه مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۵، ص ۴۰۳.

۲. محمدحسن جواهری، پرسمان علوم قرآنی، ص ۲۹.

به زمین بزنند.»^۱

جورج ویلز، دانشمند و تاریخ‌نگار انگلیسی، در پاسخ یکی از مجله‌های علمی اروپا می‌گوید: «بزرگ‌ترین کتابی که از آغاز تاریخ بشر تا کنون بیشتر از سایر کتب در دنیا تأثیر بخشیده، چند کتاب، از جمله قرآن است؛ ولی قرآن، مهم‌ترین کتاب دنیاست؛ زیرا این کتاب آسمانی، اثری در دنیا گذارده که نظیر آن را هیچ کتابی به خود ندیده است. قرآن، کتاب علمی، دینی، اجتماعی، تهذیبی، اخلاقی و تاریخی است. مقررات و احکام آن، با اصول قوانین و احکام و مقررات دنیای امروز تطبیق می‌کند و برای همیشه قابل پیروی و عمل است. هرکس بخواهد دینی اختیار کند که سیر آن با تمدن بشر پیشرفت داشته باشد، باید دین اسلام را اختیار نماید و اگر بخواهد معنای این دین را بیابد، به قرآن مراجعه کند.»^۲

۲. نمونه‌های علمی

قرآن، کتاب هدایت و تربیت است و راه و رسم سعادت و تقرب به خدا را می‌آموزد؛ ولی از آنجا که از علم بی‌پایان خالق هستی نشئت گرفته، گاهی به طور گذرا به مواردی از علوم اشاره کرده که در زمان نزول، کسی از آن اطلاع نداشته و با گذر زمان و پیشرفت علوم، گوشه‌هایی از اسرار آن آشکار شده است. یکی از رازهای جاودانگی قرآن، وجود گزاره‌های علمی در این کتاب آسمانی است که با گذر زمان و توانمندی علمی بشر آشکار می‌گردد؛ زیرا یک کتاب بشری و محدود به عصر و زمان خاص، هرگز نمی‌تواند عناصری از علوم را در خود جای دهد که با گذشت قرن‌ها و پیشرفت علوم، به تدریج پرده از آن برداشته شود. در قرآن اشارات علمی گوناگونی وجود دارد که به ذکر دو نمونه بسنده می‌کنیم:

۱. نقش کوه‌ها در استواری زمین: قرآن در ۹ مورد، از کوه‌ها به «رواسی» یاد کرده است؛ از جمله، این آیه: «وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ»^۳ و خداوند در زمین کوه‌هایی افکند تا شما را مضطرب و متزلزل نکند.» رواسی، جمع راسیه، به معنای ثابت و راسخ است.^۴ به‌کارگیری این واژه، نشان می‌دهد کوه‌ها همچون لنگرهایی هستند که زمین را از لرزش و

۱. عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، طبقات مفسران، ص ۹۷.

۲. ابو عبدالله زنجانی، تاریخ قرآن، ص ۱۵۴ و ۱۵۵.

۳. نحل، آیه ۱۵.

۴. سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۳، ص ۹۸.

اضطراب بازمی‌دارند.^۱

نیز از کوه‌ها به «اوتاد» تعبیر شده؛ به معنای میخ‌ها که زمین را از پاشیدن و فروریزی نگه می‌دارد:

«وَالْجِبَالُ أَوْتَادٌ»^۲ آیا کوه‌ها را میخ‌هایی برای زمین قرار ندادیم؟^۳

بیان نقش کوه‌ها با تعابیر کوتاه و دقیق که یافته‌های علمی پس از قرن‌ها توانست به آن برسد، نشان می‌دهد این کتاب، از کسی است که به تمام دقایق هستی خبر دارد و علوم و معارفی در آن قرار داد که برای همیشه، تازگی دارد.

۲. محافظت زمین با گازهای ضخیم: «وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا»^۴ و آسمان را سقفی

محفوظ [برفراز زمین] قرار دادیم.

«منظور از آسمان در اینجا، جوّی است که گرداگرد زمین را گرفته و ضخامت آن، صدها کیلومتر طبق تحقیقات دانشمندان می‌باشد. این قشر به ظاهر لطیف که از هوا و گاز تشکیل شده، به قدری محکم و پُراستقامت است که هر موجود مزاحمی را که از بیرون به سوی زمین بیاید، نابود می‌کند و کره زمین را در برابر بمباران شبانه‌روزی شهاب‌سنگ‌هایی که از هر گلوله‌ای خطرناک‌ترند، حفظ می‌نماید. به علاوه، اشعه آفتاب که دارای قسمت‌های مرگ‌باری است، به وسیله آن تصفیه می‌شود و از نفوذ اشعه کشنده کیهانی که از بیرون جو، به سوی زمین سرازیر است، جلوگیری می‌کند.»^۵

این اشارات علمی، برای دنیای زمان نزول قرآن شناخته شده نبود و تنها با پیشرفت علوم طبیعی امروز می‌توان فهمید که قرآن چه اسراری را در جمله‌ای کوتاه بیان کرده است.

برخی دانشمندان غیرمسلمان هم به وجود گزراهای علمی دقیق در قرآن اعتراف کرده‌اند؛ چنان‌که هر توپیک هیر چفلد می‌نویسد: «از اینکه قرآن را سرچشمه علوم می‌یابیم، نباید تعجب کنیم. تمام موضوعاتی که مربوط به آسمان‌ها، زمین، زندگی انسان، تجارت و انواع معاملات است، در سطح عالی و ماهرانه در قرآن هست...»^۶

۱. محمدهادی معرفت، علوم قرآنی، ص ۴۲۱.

۲. نبأ، آیه ۷.

۳. محمدهادی معرفت، علوم قرآنی، ص ۴۲۱.

۴. انبیا، آیه ۳۲.

۵. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۳۹۸.

۶. محمدجواد باهنر، آغاز نهضت اسلامی، ص ۵۷.

وجود اشارات علمی دقیق در قرآن، سبب شد برخی از دانشمندان، دین اسلام را بپذیرند. هنگامی که از دکتر جرینه، علت مسلمان شدنش را سؤال کردند، پاسخ داد: «من تمام آیات قرآنی را که در زمینه علوم طبیعی و بهداشتی و طبی بود، مطالعه کردم و آنها را به خوبی فهمیدم و با علوم جدید منطبق دیدم. از این رو، مسلمان شدم؛ زیرا یقین کردم محمد صلی الله علیه و آله متجاوز از هزار سال پیش بدون اینکه معلم بشری داشته باشد، حق را بیان کرده است.»^۱

۱. عبدالله احمدیان، قرآن‌شناسی، ص ۲۳۴.